صفحه های سنگی، مصداقی از اسناد ملی

منصور، امیر

صفحه‏های سنگی فارسی،اسنادی تاریخی با ویژگیهای منحصر به فرد و متعلق به دوره‏ای بالغ بر نیم قرن(1340-2884 ش.)هستند که تلاش برای حفظ و نگهداری آنها،وظیفه‏ای ملی و خدمتی فرهنگی است.مسیر تولد صنعتی و عرضهء این صفحه‏ها از ضبط تا توزیع،تهیه و ارائهء مدارک و مستنداتی را ناگزیر می‏ساخته که قابل اعتماد بودن و سندیت صفحه‏های سنگی را در قیاس با سایر اسناد تاریخی،حتی لوله‏های فونوگراف(موجود در ایران)،افزون می‏سازد.

1-صفحه‏های سنگی عمده‏ترین منابع شنیداری برای مطالعات زبان‏شناسی‏ و گویشهای مردم در مناطق گوناگون می‏باشد؛مثلا آثار ضبط شده،گویا آن‏ است که گویش هنرمندان مقیم تهران در فاصلهء سالهای 1290 تا 1320 ش.، دستخوش تغییرات فاحشی شده است.

2-صفحه‏های سنگی،ارزشمندترین اسناد در عرصهء شناخت موسیقی‏ کهن ایرانی می‏باشند؛زیرا نقطهء آغاز در حفظ و انتقال صنعتی عین موسیقی و نغمه‏هایی هستند که سالها سینه‏به‏سینه و با روش استاد شاگردی،نگاهداری‏ شده و حتی وضع خط موسیقی در گذشته و نوت نویسیهای کنونی،قادر به‏ حفظ و انتقال تمامی ظرایف آن نبوده است.

3-صفحه‏های سنگی،مأخذ مهمی برای پژوهش در فولکلور و فرهنگ‏ مردم می‏باشند.بسیار از آثار مطربی،سیاهبازی،تقلید،نمایشهای تخت‏ حوضی و حتی ترانه‏های کوچه بازاری-که در صفحه‏های سنگی به یادگار مانده است-حاوی اطلاعاتی بی‏بدیل در این عرصه‏اند.

4-صفحه‏های سنگی،اسنادی بکر در تاریخ بازیگری و نمایش در ایران‏ می‏باشند.بخشهایی از اولین اپراتها و نمایشهای موزیکال با اجرای برجسته‏ترین‏ هنرمندان دههء آغازین قرن چهاردهم شمسی تا پیش برده خوانیهای دههء بیست، در این صفحه‏ها محفوظ است.

5-صفحه‏های سنگی،حاوی نکاتی قابل توجه برای نگارش علمی تاریخ‏ معاصر موسیقی و شرح حال و زندگینامه و خاطرات هنرمندان می‏باشند.

6-صفحه‏های سنگی،همچنین منابع خاص برای پژوهش در تاریخ‏ سیاسی هستند.اگر عکسهای فراوان از مظفر الدین شاه را به درست اسنادی‏ تاریخی تلقی می‏کنیم،آیا تنها سه نمونهء باقیمانده از صدای وی،اسناد تاریخی‏ محسوب نمی‏گردند؟آیا نظامنامهء مقررات ضبط صوت در صفحات گرامافون‏ -که در سال 1307 ش.به تصویب هیئت وزرا رسید-و مقدماتی که به این‏ مصوبه انجامید،مسائلی سیاسی نیستند؟

7-صفحه‏های سنگی،در مقایسه با سایر اسناد تاریخی چون دستنوشته‏ها و عکسهای قدیمی،از حیث تعداد و امکان دسترسی بسیار محدود و کمیاب‏ می‏باشند.تعداد آثار و مدارک خطی و دستنوشته‏های تاریخی،متجاوز از صدها هزار برگه می‏باشد که به صورت کتب خطی و هنری،فرمانها،اسناد،نامه‏ها و مدارک دولتی و چهره‏های سیاسی و نامه‏ها و مدارک بازرگانی و اسناد متبادله‏ بین تودهء مردم نظیر عقدنامه‏ها و صلحنامه‏ها و غیره،مورد توجه مراکز دولتی‏ ذیربط،اهل تحقیق و پژوهش و مجموعه‏دارها می‏باشند.عکسهای قدیمی نیز بالغ بر یک دهه پس از تولد صنعت و هنر فتوگرافی،از نیمهء دوم قرن سیزدهم‏ هجری قمری،جای خود را در ایران باز کرد و به عنصری ثابت در مستندسازی‏ وقایع عصر تبدیل گردید.گنجینهء عکسهای اصلی قدیمی ایران اعم از عکسهای‏ آلبومخانهء کاخ گلستان،کتابخانهء مرکزی دانشگاه تهران،مرکز اسناد ملی و سایر آرشیوهای دولتی و عکسهای فراوانی که به صورت پراکنده در آرشیوهای‏ خصوصی و خانوادگی افزون بر یکصد هزار قطعه تخمین‏زده می‏شود و امکان‏ جعل و مشابه‏سازی این عکسها نیز به گونه‏ای وجود دارد که تشخیص اصل و بدل برای عموم ممکن نیست.

در مقام مقایسه باید گفت صفحه‏های فارسی ضبط شده از هنرمندانی ایرانی، تا پیش از جنگ جهانی اول-که درعصر قاجار ضبط شده‏اند-بالغ بر 1000 روی صفحه می‏باشد و با لحاظ کردن صفحه‏های فارسی ضبط شده در قفقاز، عثمانی و هند،نهایتا 2000 روی صفحه می‏گردد که صفحه‏های باقیمانده از این مجموعه در آرشیو صداوسیما و آرشیوهای دیگر در ایران،به 1500 عدد بالغ نمی‏گردد.

در بین دو جنگ جهانی(1319-1305)نیز-که عصر طلایی ضبط،تولید و فروش صفحه در ایران است-آمار صفحه‏های باقیمانده از آثار این دوره نیز، نزدیک به 5500 نسخه برآورد می‏شود.صفحه‏های سنگی ضبط شده از هنرمندانی ایرانی پس از جنگ جهانی دوم،2650 روی صفحه،و تعداد صفحهء به جا مانده 5000 عدد تخمین‏زده می‏شود.

آسیب‏پذیر بودن حاد صفحه‏های سنگی در قیاس با سایر اسناد تاریخی، ما را با کاهش سریع و روزافزون یان صفحه‏ها مواجه می‏سازد و جمع‏آوری‏ و نگهداری آنها،کاری علمی،دشوار و پرهزینه می‏باشد که اگر از نگهداری‏ سایر اسناد تاریخی دشوارتر نباشد،آسان‏تر نیست.

ما حصل کلام آنکه،صفحه‏های سنگی را-که بخشی از اسناد ملی و میراث‏ فرهنگی به شمار می‏روند-دریابیم!